

جهان نما

اختلاف بی سابقه اعضای پیمان آتلانتیک شمالی

حمله به ناتو از لندن

منازعات شکل گرفته در نشست اخیر لندن به اندازه‌ای عمیق بود که موضوع افزایش هزینه‌های جمعی ناتو، عملاً به حاشیه رانده شد. «پنس استولتنبرگ»، دبیر کل ناتو طی سال‌ها و خصوصاً ماه‌های اخیر، تلاش زیادی کرد تا «منازعات پنهانی ناتو» وارد «فاز آشکار» نشود؛ اما نشست اخیر سران ناتو در لندن، تمامی تلاش‌های وی را بی‌ثمر ساخته است. نشست لندن نه تنها به‌نماد همگرایی اعضای ناتو و عبور ملایم و حداقل‌ظاهری اعضای پیمان آتلانتیک از اختلافات موجود تبدیل نشد، بلکه به‌آوردگاهی برای آغاز منازعه‌ای تازه در میان آتلانتیکی‌ها مبدل شد. حضور ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده، مولد بحران‌های مستمری در درون ناتو بوده است. برخی تحلیلگران معتقدند که ترامپ نسبت به کلیت «آتلانتیسیسم» پایبند است. اگرچه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، برخی بازیگران اروپایی سعی کردند سازمان همکاری‌های اروپا را جایگزین ناتو کرده و از این طریق نقش آفرینی واشنگتن در حفظ امنیت اروپا را کم‌رنگ کنند؛ اما در طول سال‌های پس از فروپاشی کمونیسم، مقامات آمریکایی سعی کردند امنیت اروپا را در ذیل ساختار ناتو تعریف کرده و به مثابه متغیری وابسته به خود قلمداد کنند. رفتار سیاستمدارانی مانند انگلار مک‌کل، صدر اعظم آلمان و بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس نیز در تسریع این روند از سوی مقامات آمریکایی نقش بسزایی داشته‌اند. دو حزب سنتی آلمان، یعنی دموکرات مسیحی و سوسیال دموکرات، به‌شدت طرفدار حفظ وابستگی امنیتی برلین و دیگر بازیگران اروپایی به واشنگتن هستند. چنین فقهاده‌ای در خصوص انگلیس که خود را متحد سنتی کاخ سفید در نظام بین‌المللی می‌داند به مراتب پررنگ‌تر است. نشست اخیر ناتو در لندن، از یک سو فرصتی برای بازگویی خواسته ایالات متحده از دیگر اعضای این پیمان، برای افزایش بودجه نظامی کشورها (به میزان ۲ درصد تولید ناخالص داخلی اعضا) در ناتو بوده است. این خواسته، طی هفته‌های منتهی به برگزاری نشست اخیر در لندن، از سوی مایک پامپئو و دیگر مقامات آمریکایی نیز تکرار شده است.



بااین حال، منازعات شکل گرفته در نشست اخیر لندن به اندازه‌ای عمیق بود که موضوع افزایش هزینه‌های جمعی ناتو، عملاً به حاشیه رانده شد. اظهارات امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در خصوص «مرگ مغزی ناتو» مولد منازعات درون آتلانتیکی شدیدی در میان اعضای این پیمان بوده است. دونالد ترامپ در جریان نشست اخیر ناتو، نتوانست مصباتیت خود را از سخنان ماکرون در انتقاد از یکجانبه‌گرایی ایالات متحده پنهان کند. رئیس‌جمهور آمریکادر این خصوص عنوان کرد: «اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه در خصوص ناتو بسیار زنده بود. او به همه اعضای ناتو توهین کرده است. هیچکس بیشتر از فرانسه به ناتو نیازمند نیست و این مساله کمی برایم تعجب‌آور است.» طی هفته‌های گذشته منازعات پایدار و مزمزی میان اعضای اروپایی ناتو، بر سر اظهارات ماکرون صورت گرفت. سران کشورهایی مانند آلمان، لهستان و ترکیه، مواضع ماکرون را محکوم کردند و بر «آتلانتیک‌گرایی» به مثابه خط‌مشی امنیتی کلان اروپا تأکید کردند. حتی کار به جایی رسید که رجب طیب اردوغان در واکنش به ماکرون گفت که ماکرون، خود دچار مرگ مغزی شده است. آنچه مسلم است اینکه ناتو در آینده‌ای نزدیک، هم در بعد «تئوریک» و هم در بعد «عملیاتی» بیش از پیش از سوی استراتژیست‌های حوزه امنیت بین‌الملل به چالش کشیده می‌شود. در این میان، تلاش سران ناتو، از جمله پنس استولتنبرگ، دبیر کل نوژی آن برای کتمان و فراتر از آن، و مدیریت سطح تنش‌های داخلی در میان اعضای ناتو بی‌نتیجه مانده و خواهد ماند. نباید فراموش کرد که حضور دونالد ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده آمریکا نیز «اصل پیوستگی» و «همگرایی» در میان اعضای پیمان آتلانتیک شمالی را هدف قرار داده است.

گزارش «توسعه ایرانی» از مخابره پیام‌های سلبی واشنگتن به پکن

زور آزمایی، از هنگ کنگ تا سین کیانگ



ترشاد گلزاری

به گونه‌ای که در استراتژی‌های امنیتی ملی ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ رسماً اعلام می‌کند که آمریکا در حال نقل مکان استراتژیک به شرق آسیاست. هدف‌این اسباب‌کشی علاوه بر مسائل نظامی و اشراف بر دریای چین، در وهله اول مقابله با غول اقتصادی چین و پس از آن حمایت از متحدان آمریکاکار (که جنوبی، ژاپن و تایوان) است اما مساله اینجااست که چرا زمان اوباما شاهد این تقابل در چنین ابعادی نبودیم؟ کاملاً واضح است که پاسخ این سوال در سیاست‌های دولت ترامپ به عنوان قوه مجری نهفته است و در ابتدا باید آن را به صورت گذرا مورد واکاوی قرار داد. آنچه‌ا کارنامه حدوداً چهار ساله ترامپ و دولتش بر می‌آید، قرار گرفتن اقتصاد در دستور کار تمام ارکان و نفارت کلبینه‌اوبوده‌است. این موضوع اگرچه به خاستگاه ترامپ در پرونده‌های مختلف تجاری مربوط است؛ اما اینکه چگونه ساز و کار مقابله و ضربه زدن به چین در این محور اجرایی شود موضوع دیگری است. به یاد داریم که جنگ تعرفه‌ای میان دو کشور به اوج خود رسید و در این میان آمریکا با دست برتر رسانه‌ای خود بازی را به گونه‌ای پیش برد که افکار عمومی را به نفع خود مهندسی و همراه کند. در مقابل پکن هم تعرفه‌های گمرکی عجیب و غریب درازی کالاهای

آمریکا وضع کرد و این دقیقاً همان نقطه‌ای بود که بورس و بسیاری از مولفه‌های دیگر تحت‌تاثیر نزاع دو قطب اقتصادی قرار گرفتند.

هنگ کنگ را به آتش می‌کشیم!

بدون تردید جنگ تعرفه‌ای ترامپ برای آمریکا ضررهایی در پیش داشت و هیچکس نمی‌تواند آن را انکار کند؛ اما موضوع از آنجا وارد فاز جدید می‌شود که دو سناریوی امنیتی بادر و ن مایه امنیتی خلق می‌شود. باید متوجه بود که ساختار سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایالات متحده بیش از هر کشور دیگر به هم تنیده شده است و همین موضوع باعث می‌شود تا راهبردهای اجرایی چند ضلعی شود. اینکه می‌بینیم ترامپ از یک سمت تا بالاترین نقطه، چسبن را درگیر جنگ تعرفه‌ای می‌کند و یکباره خیابان‌های هنگ کنگ مملو از معترضان می‌شود، دقیقاً نشان می‌دهد که مدل اجرایی سناریوی ایالات متحده علیه پکن فقط اقتصادی نیست. شلوغی‌ها در هنگ کنگ اگرچه به دلیل پیشنهاد «لایحه استرداد متهمان به چین» توسط دولت هنگ کنگ شروع شد اما شک‌کنندیکه یک طرف این اعتراض‌ها سازمان سیانگشته است؛ زمانی که این لایحه پیشنهاد شد تمام شهروندان هنگ کنگ این موضوع را به شدت نقد

عامل تحریک در هنگ کنگ یک موضوع اقتصادی نبود، بلکه یک بحث ساختاری و اتفاقاً امنیتی بوده است؛ چرا که به نظر می‌رسد چین به دنبال ضربه به زدن به منابع و عوامل آمریکا در هنگ کنگ و استرداد آنها به پکن بوده و در مقابل ایالات متحده متوجه این موضوع شده است

کردند و شد آنچه که تا به امروز می‌بینید. اضافه شدن خشونت به این فضا باعث سرعت بخشیدن به اعتراض‌ها شد؛ اما نکته مهم اینجااست که آمریکایی‌ها چگونه بازی کردند؟ پاسخ این سوال در اهمیت ژئوپلیتیک اقتصادی هنگ کنگ و سرمایه‌گذاری‌های پنهان آمریکادر این منطقه نهفته است. استاندارد یادی وجود دارد که هنگ کنگ یکی از مناطقی است که سازمان سیا در آنجا نه تنها ایستگاه‌های فرعی و اصلی فراوان تاسیس کرده بلکه حجم عظیمی از رصد سرمایه‌های چین در آنجا صورت می‌گیرد و همچنین فعالیت‌های اقتصادی ایالات متحده

(به خصوص در زمینه طلا، جواهرات و سنگ‌های کمیاب) در این جغرافیا انجام می‌شود. این روند به خوبی نشان می‌دهد که واشنگتن آتش بزرگی در حیاط خلوت پکن روشن کرده است. نکته بسیار مهم اینکه عامل تحریک در هنگ کنگ یک موضوع اقتصادی نبود، بلکه یک بحث ساختاری و اتفاقاً امنیتی بوده است؛ چرا که به نظر می‌رسد چین به دنبال ضربه زدن به منابع و عوامل آمریکا در هنگ کنگ و استرداد آنها به پکن بوده که در مقابل ایالات متحده متوجه این موضوع شد، اما بدون هزینه نظامی این غائله را به پا کرد که با تفکر اقتصادی ترامپ کاملاً همخوانی دارد.

سین کیانگ: ریزش از درون!

سناریوی دوم که پیش تر به آن اشاره شد، سین کیانگ است. هر وقت نام این منطقه می‌آید، ناخودآگاه ذهن عمومی به سوی ترور، بسم و فعالیت افراط‌گرایی جهت‌دهی می‌شود. واقعیت این است که منطقه سین کیانگ که در غرب چین مستقر است، منطقه‌ای خودمختار به حساب می‌آید که «قومیت ایغور» در آنجا زیست می‌کند. این منطقه با ۱۶۶۴۹۰۰ کیلومتر مربع، یک ششم خاک چین را به خود اختصاص داده و با روسیه، مغولستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان (در جنوب غربی) همسایه است و عملاً ۵۶۰ کیلومتر با این کشورها مرز مشترک دارد. همین اطلاعات بسیار مختصر نشان می‌دهد که چین تا چه اندازه از اعلام استقلال این منطقه به مرکزیت اورومچی واهمه دارد. یکی از دلایل ترس پکن از استقلال

این ناحیه بحث فعال بودن جنبش‌های اسلامی را دیدکال مانند حزب التحریر، جنبش اسلامی ای پاکستان (IMU)، اتحاد جهاد اسلامی (JUI)، جماعت تبلیغی (TJ)، نهضت اسلامی ترکستان (IMT) در منطقه آسیای میانه و همچنین حضور اعضاء این جریان‌ها در سین کیانگ است؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار گروه بحران بین‌المللی (International Crisis Group) در سال ۲۰۱۴، تعداد افرادی که از آسیای مرکزی به داعش پیوسته‌اند رقمی بالغ بر چهار تاشش هزار نفر بوده که اتفاقاً بخشی از آنها را قومیت ایغور تشکیل می‌دهد.

اینکه لایحه‌ای در مجلس نمایندگان آمریکا به تصویب رسید و از دولت ترامپ خواست در واکنش به سرکوب اوغورهای مسلمان در چین در منطقه سین کیانگ با جدیت بیشتری عمل کند، دقیقاً نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال ضربه زدن به چین از تمام جهات است

ایسن مولفه‌های ضد امنیت و البته قومی بعلاوه ترس از استقلال سین کیانگ باعث شده تا دولت چین شدیدترین اعمال فشارها، سرکوب‌ها و سانسورها را در مورد این منطقه به کار بگیرد؛ تا جایی که اگر شما به اورومچی (مرکز سین کیانگ) سفر کنید و در خیابان‌های این شهر قدم بزنید به وضوح می‌بینید که چند هزار دوربین از انواع پلاک‌خوان‌های انومبیل، دوربین‌های تشخیص چهره، دوربین‌های حرارتی (برای تشخیص حمل مواد منفجره) و غیره در تمام شهر، چهارراه‌ها و حتی کوچه پس کوچه‌ها راه‌اندازی شده و روزانه میلیون‌ها داده ذخیره و پردازش می‌کند. ادامه اجرای این سططح از سیاست‌های سلبی، آن هم در زمانی که آمریکا کم‌به‌کم بر هم‌ریختن چین بسته وعلاوه بر جنگ تعرفه‌ای، هنگ کنگ را به این وضعیت انداخته است، به عنوان یک نعمت برای ایالات متحده معنی می‌شود.

اینکه لایحه‌ای در مجلس نمایندگان آمریکا به تصویب رسید و از دولت ترامپ خواست در واکنش به سرکوب اوغورهای مسلمان در چین در منطقه سین کیانگ با جدیت بیشتری عمل کند، دقیقاً نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال ضربه زدن به چین از تمام جهات است؛ چرا که چین اعلام کرده اگر لایحه حمایت از ایغورها توسط آمریکا به قانون تبدیل نشود مذاکرات تجاری با خطر جدی روبرو خواهد بود. بنابراین توزیع بحران توسط آمریکا در چین را نباید معطوف به چند مولفه بسیار ساده و گذرا کرد؛ چرا که پیچیدگی‌های آن مافوق تصور است.

خبر

جریان صدر نامزد نخست وزیری معرفی نکرد



است. خبرگزاری «واع» عراق نیز به نقل از محمود الکعبی، عضو فراکسیون سائرون گزارش داد، فراکسیون سائرون در نشست‌های فراکسیون‌های سیاسی پارلمان در مقر کمیته قانونی با حضور رئیس پارلمان و نماینده سازمان ملل حضور پیدا خواهد کرد. وی افزود: در این نشست مهمترین مسائل مورد اختلاف در قانون انتخابات از جمله سن نامزد، تعداد اعضای مجلس نمایندگان، انتخابات خارج، حوزه‌های متعدد انتخاباتی و سیستم انتخاباتی بررسی می‌شود.

فراکسیون‌های پارلمانی عراق نشست‌های خود درباره بررسی چارچوب نهایی دو قانون جدید انتخابات و کمیسیون انتخابات را همچنان ادامه می‌دهند. برهم صالح نیز کتبا انصراف لیست سائرون برای معرفی نامزد نخست وزیری را دریافت کرده است. به گزارش سایت شبکه الجزیره، فراکسیون‌های سیاسی در پارلمان عراق به رایزنی‌ها درباره این دو قانون مهم ادامه می‌دهند و محمد الحلبوسی رئیس پارلمان عراق طی روز گذشته دومین نشست خود را با روسای فراکسیون‌ها و سیاستمداران در حضور سازمان ملل برگزار کرد. الحلبوسی تأکید کرد: این رایزنی‌ها منجر به اتخاذ تصمیمی همسو با مرحله جدید و خواسته‌های تظاهرکنندگان خواهد شد. در این راستا فراکسیون سائرون به‌عنوان بزرگترین فراکسیون پارلمانی و مورد حمایت مقتدی صدر تأکید کرد، روز گذشته (چهارشنبه) آخرین موعدارائه پیشنهادات فراکسیون‌های سیاسی درباره قانون انتخابات

سازمان ملل: اسر ائیل باید از جولان خارج شود

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای بار دیگر خواستار عقب‌نشینی کامل رژیم صهیونیستی از بلندی‌های جولان اشغالی (متعلق به سوریه) شد. به گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی، ۹۱ عضو مجمع عمومی سازمان ملل بامداد چهارشنبه به این قطعنامه رای مثبت دادند و در مقابل ۶۵ کشور دیگر رای معتنوع و ۹ عضو هم‌بان مخالفت کردند. این تصمیم مجمع عمومی رژیم صهیونیستی می‌خواهد تا بر اساس قطعنامه شورای امنیت از تمامی بخش‌های جولان خارج شود. مجمع عمومی سازمان ملل همچنین تأکید کرد که رژیم صهیونیستی تاکنون به قطعنامه شماره ۴۹۷ شورای امنیت مبنی بر غیرقانونی و بی‌اساس بودن الحاق خاک جولان به اراضی اشغالی عمل نکرده است. رژیم صهیونیستی بلندی‌های جولان را در جریان جنگ شش روزه با اعراب در سال ۱۹۶۷ اشغال کرد؛ «کنیست» (پارلمان رژیم صهیونیستی) در سال ۱۹۸۱ میلادی جولان را بخشی از «اسرائیل» اعلام کرد.

